



دانشگاه بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان:

تحلیل، ترجمه و شرح بخش سوم دیوان ابوالفتح بستی

استاد راهنما:

دکتر رضا رضایی

استاد مشاور:

دکتر محمد شیخ

تحقیق و نگارش:

حسین نالان کهخا

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره‌مند شده است)

مهر ۹۲

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان نقد و بررسی دیوان حکیم ابوالفتح البستی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد. توسط دانشجو حسین نالان کهخا با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر رضا رضایی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

حسین نالان کهخا

این پایان نامه ..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ..... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی:	امضاء	تاریخ:
استاد راهنما:	دکتر رضا رضایی	
استاد مشاور:	دکتر محمد شیخ	
داور ۱:	دکتر محمود عباسی	
داور ۲:	دکتر محمد امیر مشهدی	

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر عبد الرسول حسنی فر



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب ..... تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضاء

تقدیم بہ: پدرم، اسوہ صبر و شکیبائی ام .

تقدیم بہ: مادرم، سنگ صبور لحظہ مای بی قراری ام .

تقدیم بہ: مردم سخت کوش و استوار سیستان .

و تقدیم بہ: شہیدان . . .

## تقدیر و سپاس

«مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا قَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»

از استاد ارجمند، جناب آقای **دکتر رضایی** که در به سر انجام رساندن این

پایان نامه، با دقت نظر، صعه صدر و دور اندیشی، همچون چرخه فرزان

راهنمای من بودند، سپاس گزاری می کنم.

همچنین از جناب آقای **دکتر محمد شیخ**، که با دلسوزی و بردباری بی مانند

خویش یاری ام نمودند کمال سپاس را دارم.

## چکیده

شعر و ادب عربی یکی از غنی‌ترین و گران‌بهاترین گنجینه‌های ادبیات جهان است که درزمینه‌های مختلف مانند حکمت و موعظه و اخلاق و روی‌هم‌رفته هر آنچه در ارتباط با زمینه‌های معنوی و فطری انسان‌ها می‌شد، آثار گران‌سنگی را به جامعه‌ی ادبی دنیا معرفی کرده است، تألیفات و آثار گوناگون درزمینه‌های یادشده، خود گویای این واقعیت است که نه تنها پیشگامان ادب ایران زمین حق مطلب را به خوبی ادا کرده‌اند، بلکه خردمندان و فرزندان امروز ادبیات نیز، در جهت معرفی این آثار به مشتاقان ادب، از هیچ کوششی فروگذاری نکرده‌اند. و بدین سبب است که این تحقیق به تحلیل و بررسی مجدد همین آثار اندیشمندان کهن، که به زبان عربی نگاشته شده‌است، می‌پردازد. زیرا که متأسفانه فاصله‌ای عمیق بین این فرهنگ عظیم و کهن عربی با فرهنگ امروزی و معاصر افتاده است. چه دلایل آن فرهنگی و اجتماعی باشد و چه سیاسی؛ باعث شده که کمتر به این مقوله از ادبیات و شاعران پارسی عربی گوی و عربی سرای پرداخته شود. بزرگانی که پا به پای ادیبان وطن، اگر چه نه از جهت مقدار به پیش‌رفته‌اند، اما آثار گران باری به بشریت معرفی کرده‌اند. این تحقیق، به بررسی ابوالفتح بستنی، یکی از حکیمان متعهد ادب خراسان و دربار غزنوی و نویسنده‌ی مخصوص و مورد وثوق سبکتکین و پسرش محمود می‌پردازد. در این تحقیق دیوان وی مورد تحلیل قرار گرفته و اسلوب و شیوه تعبیر وی از معانی و مفاهیم در موضوعاتی همچون مدح، غزل، هجو، حکمت و . . . مورد بررسی قرار گرفته است.

(واژگان کلیدی: بستنی، مشاهیر ادب سیستان، شاعران پارسی قرن چهارم، ادب عباسی)

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصلف اول کلیات
۱	مقدمه
۲	۱-۱ طرح تحقیق
۲	۱-۱-۱ تعریف مسأله
۳	۲-۱-۱ اهمیت موضوع
۳	۳-۱-۱ ضرورت انجام تحقیق
۳	۲-۱ س‌وال های اصلی تحقیق
۴	۳-۱ فرضیه ها
۴	۴-۱ اهداف تحقیق
۴	۵-۱ روش تحقیق
۵	۶-۱ پیشینه ی تحقیق
۶	فصل دوم: زندگی نامه بستنی

۷	۱-۲ مولد، نسب و وفات بُستی
۸	۲-۲ «اغراض و فنون شعری بُستی»
۸	۱-۲-۲ شاعرمدح:
۱۰	۲-۲-۲ شاعرغزل
۱۱	۳-۲-۲ شاعرهجاء
۱۲	۴-۲-۲ شاعررثاء
۱۳	۳-۲ «مذهب و نظرات دینی بُستی»
۱۴	۴-۲ نمونه هایی از مضامین مشترک بین بُستی و دیگر شاعران
۲۱	۵-۲ ادیبان و ناقدان هم عصر بستی
۲۲	۶-۲ بستی و صنایع لفظی و معنوی
۲۲	۷-۲ بستی و صنایع بدیعی:
۲۲	۱-۷-۲ صنعت تضاد:
۲۲	۲-۷-۲ مراعاتالنظیر:
۲۳	۳-۷-۲ حسن التعلیل:
۲۳	۴-۷-۲ صنعت الجمع:
۲۴	۵-۷-۲ تفریق:
۲۴	۶-۷-۲ صنعت استتباع:
۲۵	۷-۷-۲ رد العجز علی الصدر:
۲۵	۸-۷-۲ صنعت تلمیح:
۲۶	۹-۷-۲ تشابه الاطراف معنوی:
۲۷	فصل سوم: بررسی دیوان



۲۸	۱-۳ تحقیق دیوان و نسخه های استفاده شده در آن
۲۸	۱-۱-۳ نسخه اول: «مکتبه الظاهرية دمشق»
۲۸	۱-۲-۳ نسخه دوم: «احمد الثالث»
۳۰	۲-۳ قافیه العین
۳۵	۳-۳ قافیه الغین
۳۶	۴-۳ قافیه الفاء
۵۳	۵-۳ قافیه القاف
۵۸	۶-۳ قافیه الکاف
۶۳	۷-۳ قافیه اللام
۹۰	۸-۳ قافیه المیم
۱۰۰	۹-۳ فهرست قافیه ها
۱۰۸	۱۰-۳ ابیات متفرقه در سایر منابع ادبی
۱۰۸	۱-۱۰-۳ قافیه الباء
۱۰۹	۲-۱۰-۳ قافیة التاء
۱۰۹	۳-۱۰-۳ قافیه الجیم
۱۱۰	۴-۱۰-۳ قافیه الحاء
۱۱۰	۵-۱۰-۳ قافیه الدال
۱۱۱	۶-۱۰-۳ قافیه الراء
۱۱۲	۷-۱۰-۳ قافیه السین
۱۱۳	۸-۱۰-۳ قافیه الطاء
۱۱۳	۹-۱۰-۳ قافیه القاف
۱۱۴	۱۰-۱۰-۳ قافیه اللام

۱۱۵	۳-۱۰-۱۱ قافیه المیم
۱۱۵	۳-۱۰-۱۲ قافیه النون
۱۱۷	۳-۱۰-۱۳ قافیه الهاء
۱۱۷	۳-۱۰-۱۴ قافیه الواو
۱۱۸	۳-۱۰-۱۵ قافیه الياء
۱۱۸	۳-۱۰-۱۶ قافیه الالف اللينه
۱۱۹	۳-۱۰-۱۷ نمونه هایی از نسخه‌های خطی دیوان
۱۲۵	۳-۱۰-۱۸ اعلام
۱۲۷	فصل چهارم نتیجه گیری
۱۲۸	جمع بندی و نتیجه گیری :
۱۲۹	فهرست منابع و مآخذ

## فصل اول

### کلیات

## مقدمه:

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های ادبی ایران دوره غزنویان است، دوره‌ای که شاهباز ادب بر قله فصاحت و بلاغت به پرواز آمد و فکر استوار شعرای عرب با اندیشه پارسی‌گویان شیرین‌نغزگفتار، به هم آمیخت و شاهکارهای ادبی فراوانی به وجود آورد که تاریخ ادبیات جهان را زینت و زیور گشت.

شاعران بلند پایه‌ای چون فردوسی کاخ رفیع شعر را بنیان نهادند کاخی که خسروان ادب در طی روزگار در آن غنودند و نیکوترین اشعار و گفته‌های خود به جهانیان عرضه داشتند. ادبای ایرانی از ادب عرب حظی وافر و نصیبی کامل داشتند و چنان اشعار زیبا و گفته‌های دل‌کش به زبان عربی از خود به یادگار نهادند، که قرن‌ها ادبای تازی و پارسی با خواندن آن‌ها انگشت شگفتی به دندان گزیدند و از لطایف و زیبایی‌های آن آثار جلیل‌القدر بهره‌ور گشتند.

یکی از ستارگان تابان ادب غزنوی شیخ حکیم ابوالفتح بستی آن سخنور و ادیب هنرور و شاعر ذواللسانین است. که اشعار بلند او ستاره‌ای تابناک بر تارک کتب ادبی فارسی و عربی می‌درخشد و امثال و حکم و پیوند اشعارش با قرآن و حدیث و فرهنگ یونانی، هندی، عربی، رونق فضای بازار ادیبان و حکیمان است این سخنور باذوق شگفت‌آور خود الفاظ زیبا را با معانی بلند به هم آمیخته است و هر بیت شعرش گوهری است که بر تارک عقل افراشته و بر گوش ادب آویخته است.

## ۱-۱ طرح تحقیق

### ۱-۱-۱ تعریف مسأله

ادبیات هر قوم نشان‌دهنده رسوم، عقاید و افکار آن قوم است. شعر که به عنوان مهم‌ترین جزء ادبیات شمرده می‌شود به مانند آئینه‌ای درخشانی، زندگی و محیط سراینده‌اش را به خوبی بازتاب دهد.

در عصر عباسی، بازار شعر و ادب بسیار گرم بود. شاعران با توانایی شگفت‌انگیزی که داشتند، آثارشان را در معرض شنود علاقمندان قرار می‌دادند در این میان بودند افرادی که به خاطر عوامل مختلف گمنام باقی ماندند، از این میان یکی از مشاهیر و شاعران معروف، در آغاز عهد حکومت غزنویان در اواخر قرن چهار هجری، حکیم بلیغ ابوالفتح بستی می‌باشد که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود.

بعد از غلبه ناصرالدین سبکتکین بر بایتوز، بستی به دبیری دیوان سبکتکین منصوب شد، و تا اوایل سلطنت محمود غزنوی بر شغل دبیری دیوان باقی بود. از نتایج طبع این شاعر نامدار می‌توان به دو دیوان به زبان‌های پارسی و عربی اشاره کرد، از ابیات فارسی او تنها چهار بیت در کتاب لباب الالباب محمد عوفی نقل شده است و

بقیه‌ی اشعار فارسی او از بین رفته است، ولی اشعار عربی او در دست می‌باشد و بر آن شدیم تا دیوان عربی او را برای استفاده‌ی بیشتر فارسی‌زبانان و دوست داران فرهنگ پارسی و البته دانشجویان، مورد نقد و بررسی و ترجمه و شرح قرار دهیم.

### ۱-۱-۲ اهمیت موضوع

اهمیت شعر و ادب در میان مردم جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست. تحلیل و بررسی موضوعات شعری برای اقشار دوست دار ادبیات، می‌تواند زمینه‌ساز شناخت موضوع های مختلف گردد. تشویق حاکمان و خلفای عباسی از یک سو و جوّ سیاسی حاکم از سوی دیگر، باعث گردید که آثار گرانسنگی در زمینه‌های حکمت و اخلاق و... به وجود آید. شناخت دقیق تر این آثار ارزشمند ما را به عمق تأثیرگذاری موضوع های یادشده بر روح و جان جامعه‌ی عربی آشنا می‌گرداند.

### ۱-۱-۳ ضرورت انجام تحقیق

با ورود دین مبین اسلام به ایران و پذیرش آن از سوی ایرانیان نوعی تبادل فرهنگی وسیع میان دو زبان فارسی و عربی صورت پذیرفت، و تأثیر و تأثر عمیقی که تا قرن‌ها ادامه یافت به وقوع پیوست. اگرچه بر کسی پوشیده نیست که تأثیر پارسیان از اعراب بسی بیش از تأثیر اعراب بود. اما در این میان بودند شاعران و نویسندگان ایرانی که فرهنگ وسیع و غنی ایرانیان را به رخ اعراب کشیدند، اما باوجود این که تحقیقات فراوانی پیرامون شاعران و نویسندگان ایرانی در ادبیات عرب شده است، به نظر می‌رسد برخی از شاعران و نویسندگان مورد غفلت و بی‌مهری قرار گرفته‌اند، از آن جمله است شاعر سیستانی قرن چهارم هجری ابوالفتح بستی که حتی تا به حال دیوان او به فارسی ترجمه نشده است و نزد پارسیان نیز گمنام و مورد نوعی مظلومیت قرار گرفته است.

### ۱-۲ سؤال های اصلی تحقیق

۱- مضامین شعری بستی چگونه به نظر می‌رسد؟

۲- اسلوب شعری بستی چگونه است؟

۳- کدام روش ترجمه برای این کار مناسب است؟

۴- چه نکات بلاغی در شعر بستی به کاررفته است؟

۵- آیا نیاز به شرح فارسی و عربی ابیات و کلمات وجود دارد؟

### ۳-۱ فرضیه‌ها

۱- بستی در کاربرد صنایع بدیعی و تجنیس چیره‌دست بوده است.

۲- بستی اسلوب حکمی در شعرش دارد و امثال و حکم را زیاد استفاده نموده است.

۳- به نظر می‌رسد تلفیقی از شیوه‌ی نقل به مضمون به همراه شرح عربی و ترجمه‌ی کلمات غریب، مناسب باشد.

۴- به نظر می‌رسد، بستی در به کار بردن اکثر شیوه‌های بلاغی مخصوصاً جناس توانا باشد.

۵- به نظر می‌رسد، جهت استفاده دانشجویان و محققین شرح فارسی ابیات و کلمات مناسب باشد.

### ۴-۱ اهداف تحقیق

۱- این پژوهش در راستای تأثیر و تأثر دو ادبیات فارسی و عربی می‌باشد.

۲- شناخت آن دسته از ادیبانی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، مخصوصاً شاعر خطه‌ی سیستان بستی

۳- بیان این موضوع که ادبیات سیری است پویا و تأثیرگذار و تأثیرپذیر، در جهت نزدیکی فرهنگ‌ها و ملل

۴- بیان نقش ادبیات در پیشبرد اهداف جامعه .

### ۵-۱ روش تحقیق

در این پایان‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری در آن استفاده شده است. به این منظور، منابع مربوط به موضوع بحث، شناسایی و به روش فیش‌برداری، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. آنگاه مطالب بر حسب موضوع مرتب گردید.

اساس کار در این تحقیق، مبتنی بر شناخت شاعر و ترجمه و شرح اشعار او می‌باشد؛ زیرا که آسان‌ترین و

مطمئن‌ترین منبع شناخت عقاید و جنبه‌های مختلف اغراض و فنون شعری هر شاعر است.

در این تحقیق بنای کار در بررسی نسخه‌های خطی بر نسخه‌ی احمدالثالث استوار است، و به عنوان نسخه‌ی

اصلی انتخاب شده است، چرا که از لحاظ سابقه‌ی تاریخی قدیمی‌ترین نسخه‌ی خطی دیوان به شمار می‌آید، و

نسخه‌ی دوم دیوان به لحاظ زمانی دارای اعتبار کمتری از نسخه‌ی المطبوعه می‌باشد، که به ترتیب نسخه احمد الثالث با رمز(ث) و المطبوعه با رمز(ط) مشخص گردیده است.

در بررسی دیوان خود را به ترتیب قافیه‌ها به همان صورت که در نسخه احمدالثالث آمده است مقید کرده‌ایم، و ابیات دیوان را که در اکثر موارد خالی از اعراب بود، اعراب گذاری نمودیم.

ابیات هر قطعه و قصیده برای راحتی بحث و جستجو شماره‌گذاری گردیده، و برای سهولت در کار، فهرست قافیه‌های دیوان با ذکر شماره و صفحه آمده است.

کلمات غریب و دشوار تا آنجا که در بضاعت بنده بود شرح گردیده و ابیات هر بخش ترجمه شده است، و برخی کلمات، سابقه‌ی تاریخی‌شان در ادامه ابیات آورده شده است. و همچنین کلماتی که از نظر وزن عروضی مشکل داشت آن‌ها را به اندازه‌ی توان تصحیح نمودیم.

دیگر اینکه ابیاتی تحت عنوان ابیات متفرقه در سایر منابع ادبی آمده، که در اصل دیوان خطی نیامده است، که همه‌ی آن‌ها با ذکر مرجع و منبع آورده شده است.

در مباحث نتیجه‌گیری، سعی شده با دقت نظر عمل شود و از داوری شخصی و مغرضانه پرهیز گردد.

#### ۱-۶ پیشینه‌ی تحقیق

در مورد این شاعر به صورت جداگانه پژوهش‌های زیادی انجام شده است، و تحقیق حاضر در باب ترجمه و شرح و تحقیق ابیات در نوع خود تازه و نوین است. از مهم‌ترین پیشینه‌ی این تحقیق، جدا از کتاب‌های بزرگ ادبی، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-مرسی الخولی، محمد، (۱۹۸۲) ابوالفتح بستی حیاته و شعره، بیروت: دارالاندلس (پایان‌نامه ارشد)

۲-انوار، امیر محمود، (۱۳۸۴) بستی و امثال و حکم در دیوان، دانشگاه تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۳-بستی، ابوالفتح، (۱۴۱۰) دیوان ابی الفتح البستی، تحقیق: دریة الخطیب و لطفی الصقال، دمشق: مطبوعات مجمع اللغة العربیه

۴-انوار، امیر محمود، (۱۳۵۲) شرح حال و بررسی سبک شاعری و نویسندگی ابوالفتح بستی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (رساله دکتری)

۵-بستی، ابوالفتح (۱۳۸۹) جلوه‌های پایداری در کلام حکیم ابوالفتح بستی، مجله لسان مبین دانشگاه مشهد، شماره یک، دوره جدید

## فصل دوم:

زندگی نامه بستی



## ۲-۱ مولد، نسب و وفات بُستی:

نظام‌الدین ابوالفتح علی بن محمد بُستی از شاعران و مترسلان ایرانی‌الاصل است که به دو زبان فارسی و عربی تکلم می‌کرده است. تمام زندگی او در قرن چهارم هجری سپری شد. او در سال (۳۳۵) هـ در بُست<sup>۲</sup> سیستان متولد شد، و در همان جا فقه و حدیث شافعی و ادب را فراگرفت. در حدیث شاگرد «ابو حاتم محمد بن حَبّان»<sup>۳</sup> بود. اما از آنجا که به تصدیق رأی ابوحنیفه و اندیشه‌های «محمد بن کَرّام» پرداخته است، او را در فقه پیرو ابوحنیفه و در اصل دنباله‌رو «کَرّامیه» دانسته‌اند. (صفا، ۱۳۶۳، ذیل ماده بُستی) ابوالفتح در آغاز سِمَت دبیری بایتوز امیر بُست را داشت، اما با قدرت گرفتن ناصرالدین سبکتکین بر بُست در سال (۳۶۷) هـ بایتوز متواری شد و بستی به خواهش سبکتکین عهده‌دار دیوان رسالت گشت و تا اوایل سلطنت محمود غزنوی همچنان در شغل خود باقی بود تا در آخر مورد بی‌مهری سلطان محمود غزنوی قرار گرفت و به دیار تُرک (ماوراءالنهر) تبعید شد. وفاتش را در سال (۴۰۰) یا (۴۰۱) می‌دانند که غریبانه در شهر بخارا در گذشت. همچنین برخی سال وفات او را به سال ۴۰۳ هـ می‌دانند. (هدایت ۱۳۳۶، ج ۱: ۱۵۰) و بعضی منابع فوت بُستی را در اُوزکند (نزدیک بخارا) می‌دانند. (زرکلی، ج ۴: ۳۲۶)

بُستی با ابونصر عُتبی صاحب تاریخ یمینی دوستی و رفاقت تمام داشت، و در کنار او مشغول دبیری دیوان بود، چنانکه عُتبی از اشعار و نادره‌های بُستی شواهد مثال در کتابش آورده است. همچنین مرثیه‌ای که بُستی در واقعه‌ی فوت «صاحب کافی اسماعیل بن عباد» سروده، عُتبی آن را در شمار مرثیه‌های مشهور آن عصر در تاریخ خود نقل کرده است.

---

۱. ابن خلکان صاحب کتاب وفيات الأعیان می‌گوید من این را (اسم محمد را) در اوّل دیوانش ندیده‌ام. (وفیات الأعیان، ج ۳: ۶۰)

و حاکم نیشابوری از سَمَعانی نقل می‌کند که اسم پدرش «احمد» می‌باشد و در اسم جدش اختلاف کرده اند که گفته شده «حسین یا حسن» ولی حسن درست تر است. (السبکی، الحلبي، ج ۵: ۲۹۳).

۲. شهری کهن نزدیک ملتقای رودهای هیرمند و اَرغنداب که امروزه ویرانه های آن مجاور شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند در جنوب غربی افغانستان باقی است و به واسطه وجود ویرانه های قلعه ی نظامی در آن، به نام قلعه ی بُست معروف است. کاوشهای باستانی در این شهر مؤید آن است که این شهر به طور متوالی از روزگار هخامنشیان تا ساسانیان شهر آباد و از زیستگاههای عمده ی سیستان بوده است. (صفا، ایرنیکا، ج ۷: ۳۸۴)

۳- محمد بن حَبّان بن احمد بن حَبّان تمیمی بُستی (سیستانی) مشهور به «ابن حَبّان» محدث و فقیه، قاضی و لغوی شافعی مذهب سده ی چهارم هجری است. تاریخ تولد او را به دقت نمی‌دانیم اما برخی سال (۲۷۰ق) را ذکر کرده اند. (حموی، ج ۱: ۴۱۵)

ابوالفتح بستی در علم ، شعر ، کتابت ، و فضل، یگانه‌ی روزگارش بود ، و در مورد او کسانی مانند «عوفی» و «ابن خلکان» صحبت کرده اند و بستی را از برگزیدگان و منتخبان شهر بُست می‌دانند. (عوفی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۶۴-۶۵)؛ ( ابن خلکان، ۱۹۶۹، ج ۵: ۱۷۶).

## ۲-۲ «اغراض و فنون شعری بُستی»

در اولین نگاه به دیوان بُستی متوجه می‌شویم که، بیشتر اشعار او دو بیتی یا قطعاتی است که غالباً ابیات آن از ۱۰ بیت تجاوز نمی‌کند. و دیگر اینکه او قصیده بلند نمی‌سراید، و تنها شعر بلند او، قصیده نونیه ی اوست که جهت پند و اندرز سروده شده است، دلیل آن را شاید این‌گونه می‌توان بیان داشت که ، ذات بدبهبه‌سرایبی که در بیشتر اشعار او دیده می‌شود ، مجال پرداخت قصیده به او نمی‌دهد. و دیگر اینکه او برای پاداش و صلّه نیازی نمی‌بیند که به کراهت شعر بسراید. .

بُستی همانند دیگر شعرا در ابواب مدح ، غزل ، فخر ، هجا ، وصف و اخوانیات طبع‌آزمایی کرده و الحق که در بیشتر آن‌ها موفق و سربلند بیرون آمده ، که در بحث ازهر موضوع بدان اشاره خواهد شد .

## ۲-۲-۱ شاعر مدح:

بُستی هم مانند دیگر شعرا در باب مدح اشعاری سروده که ثابت می‌کند، او مدح را برای تکسب قرار نمی‌دهد و تنها شعر را برای صلّه و پاداش نمی‌گوید، شاید گفته شود که او در مدح حتی از آوردن اسم ممدوح نیز باکی ندارد که در پاسخ باید گفت: که او بعد از فتح بُست می‌توانست با شعری در مدح سبکتکین دلش را به دست بیاورد و صلّه و جایزه‌ای بگیرد ولی نه تنها شعری نسرود ، بلکه مدتی از کارش برکنار ماند، که این موضوع مؤید سخن ماست . و باز دلیلی دیگر اینکه ،عُتبی صاحب کتاب «تاریخ یمینی» چون از «خلف بن احمد والی سیستان» سخن می‌گوید، از قول بُستی نکته‌ای می‌آورد که دلیل این ادعا خواهد بود. او گوید که: «... شیخ ابوالفتح بُستی با من حکایت کرد که مرا به وقتی سه بیت در مدح خلف بن احمد افتاد. و درنیت نبود که به حضرت او تبلیغ کنم اما در أفواه افتاد و به زبان روایت بدو رسید. روزی ناگاه معتمدی از او در پیش من آمده ، و صُرّه سیصد دینار به صلت این ابیات به من داد و بر سر آن از زبان امیر خلف عذرها خواست...» (انوار، تهران: ۳۵۲)

بُستی اسم ممدوحین خود را در شعر خود آورده ، و مهمترین کسانی که بُستی از آن‌ها در شعر خود یاد کرده است ، به‌اختصار بیان می‌شود. مشهورترین ممدوح بُستی ناصرالدین سبکتکین امیر غزنوی است که بُستی به او ارادتی خاص دارد چرا که هم او بُستی را به مقامات بالا کشید، و به دبیری دیوان منصوب کرد.

ممدوح دیگر بُستی سیف‌الدو قال محمود غزنوی است که در باره‌ی او می‌گوید .

بِسِيفِ الدَّوْلَةِ إِتَسَّقَتْ أُمُورٌ      رَأَيْنَاهَا هَامِبْدَةَ النَّظَامِ  
سَمَا وَ حَمَى بَنِي سَامٍ وَ حَامِ      فَلَيْسَ كَمِثْلِهِ سَامٌ وَ حَامِ

(بُستی، ۱۲۹۴: ۷۱)

ترجمه : امور نظام ، که ما شاهد به‌هم‌ریختگی وبی سامانی آن بودیم ، با دستان سیف‌الدو قال (محمود) به سامان رسید. او فرزندان سام و حام (سفید و سیاه) را به بزرگی رسانید. پس هیچ بزرگ‌مرتبه و پشتیبانی چون او یافت نشود.

ممدوح دیگر بُستی امیر ابونصر احمد بن علی المیکانی است که از بزرگان و نام‌آوران عهدش می‌باشد و بُستی در

باره‌اش چنین می‌سراید:

جَمَعَ اللهُ فِي الْأَمِيرِ أَبِي نَصْرٍ      خَصَالًا تَعْلُو بِهَا الْأَقْدَارِ

(ثعالبی، ۱۹۴۷، ج ۴: ۳۱۹)

ترجمه : خداوند در امیر ابی نصر خصائلی جمع کرده که قدر و منزلت او را بالا می‌برد.

ممدوح دیگر وی خلف بن احمد والی سیستان که از آن سخن راندیم می‌باشد ، و بُستی ارادت خاص به او داشت.

بُستی قصیده‌ای بالغ بر هفده بیت در مدح خلف بن احمد سروده ، که تمامی قصیده با مطلع زیر در تاریخ‌یمینی

آمده است؛ آنجا که گوید : (این قصیده در دیوان خطی و المطبوعه بیروت نیامده است)

مَنْ كَانَ يَبْغِي عِلْوَ الدُّكْرِ وَالشَّرَفَا      خَصَالًا تَعْلُو بِهَا الْأَقْدَارِ

(ناصری، دارالفکر، ج ۴: ۱۸۷)

و نیز در مدح و ستایش سید ابوجعفر محمد پسر موسی بن احمد بن ابوالقاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر بن

محمد بن علی الحسین بن علی بن ابی‌طالب صلوات الله علیهم چنین سروده است:

أَنَا لِلسَّيِّدِ الشَّرِيفِ غَلَامٌ      حَيْثُمَا كَانَ فَلَيْبِغِ سَلَامِي  
وَ إِذَا كُنْتُ لِلشَّرِيفِ غَلَامًا      فَأَنَا الحُرُّو الزَّمَانُ غَلَامِي

(بُستی، ۱۲۹۴: ۷۲)

**ترجمه:** من غلام سید بزرگوار و شریف هستم، هرکجا باشد، سلامم را به او برسانید و اگر در برابر این بزرگوار برده و بنده گشته‌ام، پس بنابراین آزاده واقعی منم و روزگار برده و غلام من است. و در ستایش قابوس و شمگیر گوید:

لَا تَعَصِيَنَّ شَمْسُ الْعَلَى قَابُوسَا      وَ مَنْ عَصَى الْقَابُوسَ لَاقَى بُوسَا

(همان: ۴۳)

**ترجمه:** خورشید بزرگواری از قابوس بن وشمگیر هرگز سرکشی نکند و هرکس از قابوس نافرمانی کند به درد و مصیبت دچار شود.

همچنین در ستایش و مدح «آل فریغون» که از والیان مملکت جوزجان بوده‌اند گوید:

بَنُو فَرِيغُونَ قَوْمٌ فِي      وَجْهِهِمْ      نُورٌ الْهُدَى وَ سَنَاءُ السُّؤْدُودِ الْعَالِي.....

(همان: ۶۶)

**ترجمه:** آل فریغون قومی هستند که در چهره‌شان پرتو هدایت و نور بزرگی نمایان است.

غیر از ممدوحان نامدار که ذکرشان رفت، بستی را ممدوحان دیگری نیز هست که از لحاظ موقعیت و شهرت به ممدوحین فوق‌الذکر نمی‌رسند و کسانی دیگر که نام آن‌ها در دیوان آمده ولی به خاطر اختصار مبحث از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

## ۲-۲-۲ شاعر غزل

غزل‌سرایی از همان دوران جاهلی محبوب و مورد علاقه شاعران بوده، و بستی نیز از این دایره بیرون نیست و می‌توان گفت بیشتر اشعار بستی پیرامون تغزل و پند و اندرز می‌باشد که گوشه‌ای از غزل‌های او مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اشعار بستی در قالب دو بیتی و قطعه‌هایی است که غالباً تعداد ابیات آن از ۱۰ بیت تجاوز نمی‌کند. او شعر خود را با شیوه‌ای خاص، و با معانی لطیف عاشقانه و با الفاظی روان بیان می‌کند، و می‌توان به جرأت گفت: که در برخی از غزل‌ها با بهترین غزل‌سرایان نامی برابری می‌کند. آنجا که سروده:

۱۰۴- مِنْ وَجْهِهِ يَطْلُعُ نَجْمٌ الْمُشْتَرِي      يَا قَوْلْتَهُ يُثْمِرُ شَهْدًا قَاشِرِي  
۱۰۵- يَا مَنْ نَضَا بِاَللَّحْظِ سَيْفَ الْأَشْتَرِي      إِذَا وَجَدْتَ الْحُرَّ عَبْدًا قَاشِرِي

(بستی، ۱۲۹۴: ۳۳)